

بررسی تطبیقی حرمت نکاح با محارم رضاعی از منظر فقه امامیه و قانون احوال شخصیه

مصر

۱ سهراب انبارکی، *۲ سیدمحمدحسین ملایکه، ۳ حسین ایزدی
۱ دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
۲ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول) h.malaekepour@scu.ac.ir
۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.
نویسنده مسئول: h.malaekepour@scu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۴

چکیده

قرابت رضاعی از مسایل مشترک فقهی و جزء احکام امضایی اسلام بوده و در این راستا دین مبین اسلام به این موضوع اهتمام ویژه ای داشته و در این خصوص آیات و روایات متعددی دال بر این موضوع می باشد، ضمناً بر مبنای نظریات فقهای امامیه و فقهای عامه نکاح دارای موانعی می باشد که برخی دایمی و برخی موقت می باشند که نکاح با محارم رضاعی جزء موانع دایمی می باشد. این مقاله شامل سه پرسش است که نخست: مبانی حرمت نکاح با محارم رضاعی در فقه امامیه و قانون احوال شخصیه مصر شامل چه چیزی می شود؟ دوم: شرایط و کیفیات رضاع از دیدگاه فقه امامیه و قانون احوال شخصیه مصر چگونه ارزیابی می شود؟ سوم: آثار قرابت رضاعی در فقه امامیه و قانون احوال شخصیه کدام است؟ در ابتدا این فرضیه متصور است که مبانی حرمت نکاح با محارم رضاعی در دو حوزه شامل کتاب، سنت و اجماع می شود. در ادامه به نظر می رسد، شرایط و کیفیات رضاع در این حوزه تین دارای برخی نقاط اشتراک و افتراق بوده و در پایان آثار قرابت رضاعی شامل: حرمت نکاح، ایجاد محرمیت در فرزند خواندگی، جواز نظر، خلوت و مسافرت، عدم توارث و نفقه، عدم سقوط قصاص و پذیرش شهادت مرتضع می باشد. روش تحقیق در این مقاله تبیینی و مقایسه ای و روش گردآوری داده ها، کتابخانه ای و ابزار گردآوری داده ها عمدتاً از طریق فیش برداری است. یافته های تحقیق بر این مبناست که مبانی حرمت نکاح با محارم رضاعی در دو حوزه بررسی و با توجه به مستندات فقهی به شرایط و کیفیات رضاع در فقه امامیه و احوال شخصیه مصر پرداخته و در پایان به آثار قرابت رضاعی اشاره دارد.

کلیدواژه: احوال شخصیه، نکاح، رضاع، مرضعه، مرتضع

مقدمه

قرابت رضاعی یکی از مسایل مشترک فقهی و جزء احکام امضایی اسلام می باشد. ورود به این مبحث و انجام تحقیق در این راستا می تواند منجر به شناخت مباحث ناشناخته ای در این زمینه شود، بحث رضاع به عنوان یک واقعیت در خویشاوندی مطرح است و حتی احادیثی دال بر ضرورت احترام به مادران رضاعی همانند محارم نسبی موجود است، مثلاً بر خورد پرمهر حضرت رسول با فرزندان حلیمه سعدیه به هنگام اسیر شدن در جنگ حنین می تواند ذکر نمود که آن حضرت عباي خويش را فرش خواهر رضاعی خود نمود و او و برادرش را گرامی داشت. حتی با شفاعت همان خواهر رضاعی اش به نا «شیماء» تمام اسراء که قریب بر شش هزار نفر از قبیله هوازن بودند آزاد نمود. (سبحانی، ۱۳۷۰، ۲۸۶/۳) صرف نظر از جنبه ای اجتماعی قرابت رضاعی، این امر یک موضوع مهم بهداشتی را در بردارد و آن جلوگیری از انتقال بیماری ها از راه ارث است؛ بعضی از بیماری ها که یک فامیل بدان مبتلا هستند در اخلاف آن ها آثاری از آن نبوده غفلتاً در اثر ازدواج های نزدیک، آن بیماری ظاهر شده است. تحقیقات نشان می دهد که هم خونی که در نتیجه ازدواج های فامیلی حاصل می شود، باعث توارث بیماری هایی مانند شب کوری و بعضی بد خلقت های استخوانی مثل کجی استخوان قصبه کبری (A) و قوز پشتی است. (نصیر، ۱۳۲۷، ۸۴/۲) بنابراین اهمیت موضوع تا جایی است که خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره نساء به مسئله ی شیرخوارگی اشاره فرموده و احادیث متواتری از علمای عامه و خاصه در این خصوص منقول است که در مباحث آتی به آن ها پرداخته می شود. در تمامی مذاهب اسلامی به مسئله ی محارم رضاعی عنایت خاصی صورت گرفته، به طوری که قانون مدنی ایران و قوانین احوال شخصیه مصر که منبعث از آموزه های فقهی می باشد به این مسئله توجه ویژه ای داشته است. از طرفی بررسی در قوانین مختلف، گام های بسیار مؤثری در جهت بالندگی قوانین یک کشور محسوب می شود و در واقع کشورها می توانند در پرتو این تأمل و تفحص ضمن شناخت دقیق قوانین جاریه خود نقاط قوت قوانین خود را مورد بازشناسی و تقویت نموده و در جهت رفع نقایص و معایب قوانین موضوعه خود بکوشند. فلذا شناخت دقیق قوانین حاکم بر کشورهای اسلامی مخصوصاً کشور مترقی مصر در حوزه ی قانون گذاری می تواند در راستای تسهیل وضع

قوانین در خصوص مسلمانان اهل سنت کشورمان راهگشا باشد. ضمناً در خصوص بررسی تطبیقی حرمت نکاح با محارم رضاعی در فقه امامیه و قانون احوال شخصیه مصر پژوهشی که جامعیت و مالکیت لازم را داشته باشد انجام نشده است ولیکن در این راستا مطالعات و تحقیقاتی انجام شده، که به شرح ذیل می‌باشد: جناب آقای سید ابوالقاسم نقیبی و زری زمانی در مقاله‌ای با موضوع «حرمت موبد و مصادیق آن در حقوق ایران و مصر» بیش‌تر به محارم نسبی و سببی پرداخته و کم‌تر به محارم رضاعی پرداخته است. جناب آقای دکتر هرمز اسدی کوه باد و غلامعلی صفری در مقاله‌ای با موضوع «بررسی مبانی محرم و نامحرم در فقه و حقوق اسلامی با تأکید بر محرمیت رضاعی» بیش‌تر به مبانی محرم و نامحرم در فقه حقوق اسلامی با تأکید بر محرمیت رضاعی پرداخته و هیچ‌گونه اشاره‌ای به صورت به قانون احوال شخصیه مصر نشده است. جناب آقای حمید خان محمدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با موضوعیت «قرابت رضاعی در حقوق ایران و مقایسه آن با فقه عامه» اشاراتی به قرابت رضاعی در حقوق ایران و تطبیق آن با فقه عامه دارد. سرکار خانم لیلی فاطمی و همکاران در مقاله‌ای به نام «بررسی تطبیقی محارم رضاعی از دیدگاه مذاهب خمس، محارم رضاعی در فقه امامیه و سایر مذاهب اسلامی را بدون در نظر گرفتن قوانین حاکم بر کشور مصر مورد بررسی قرار داده است. مقاله‌ی حاضر به بررسی تطبیقی حرمت نکاح با محارم رضاعی از منظر فقه امامیه و قانون احوال شخصیه مصر پرداخته و در تلاش است به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- مبانی حرمت نکاح با محارم رضاعی در فقه امامیه و احوال شخصیه چیست؟

- کیفیات رضاع از منظر فقه امامیه و قانون احوال شخصیه مصر چگونه ارزیابی می‌شود؟

- آثار قرابت رضاعی در این حوزه‌تین چیست؟

این مقاله شامل چهار بخش می‌باشد که در بخش اول: به معنانشناسی و تعاریف عملیاتی اختصاص یافته، و در بخش دوم به بررسی مبانی حرمت نکاح با محارم رضاعی از منظر فقه امامیه و قانون احوال شخصیه مصر می‌پردازد و در بخش پایانی کیفیات رضاع و آثار رضاع در دو حوزه می‌پردازد.

۱- معنانشناسی احوال شخصیه، نکاح، موانع نکاح، رضاع.

۱-۱ احوال شخصیه:

برخی صاحب نظران معتقدند که "احوال شخصیه" تعریف روشنی ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۱۹۳/۱) اما حقوق دانان کوشیده اند با ذکر مصادیق و نمونه هایی، آن را تعریف نمایند. تعریفی که از احوال شخصیه ارائه داده اند عبارت است از این که: احوال شخصیه یا احوال شخصی در اصطلاح حقوقی به معنای اوصاف و خصوصیات است که وضع و هویت شخصی و تکالیف فرد را در خانواده و اجتماع معین کند. (کاتوزیان، ۱۳۶۰، ش ۴/۲، روحی بعلبکی، بی تا، ۹۰/۱) دیوان عالی کشور مصر احوال شخصیه را چنین تعریف کرده است: "احوال شخصیه مجموعه ای از صفات طبیعی یا خانوادگی است که موجب تمیز از غیرش شده و قانون بر آن ترتیب اثر می دهد. مثل این که شخص مرد است یا زن، مجرد است یا متاهل، یا مطلق، یا مثل این که ولد مشروع است یا نامشروع، اهلیت یا به دلیل صغر، جنون و سفه فاقد اهمیت مطلق است." اما نکته مسلم این است که ویژگی های احوال شخصیه قابل تقویم و مبادله با پول نمی باشد و وابستگی به وضعیت شغلی و موقعیت اجتماعی فرد ندارد. (صفایی، ۱۳۷۴، ۹/۲) از دیدگاه تحلیل حقوقی، اصطلاح احوال شخصیه در دو معنا به کار رفته است: یکی به معنای اعم و دیگری به معنای اخص از وضعیت و اهلیت یعنی فقط وضعیت و شامل اهلیت نمی گردد. (امامی، ۱۳۶۰، ۹۹/۴، شایگان، ۱۳۶۶، ۱۹۵/۲)

۱-۲ نکاح و موانع آن:

۱-۲-۱ نکاح:

نکاح در لغت به معنای ضمیمه کردن و جمع کردن و در اصطلاح عبارت است از رابطه حقوقی که به وسیله عقد بین مرد و زن حاصل می گردد، و به آن ها حق می دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند. (امامی، ۱۳۷۰، ۲۶۸/۱)

۱-۲-۲ موانع نکاح:

هر امری که از وجود آن عدم لازم آید، مانع نامیده می شود. موانع نکاح نیز اموری است که عدم آن ها در نکاح شرط است و وجود آن ها مانع صحت ازدواج می باشد، موانع نکاح را شرایط منفی نیز می توان نامید. (صفایی، ۱۳۷۷، ۹۳/۱، ۹۳/۱، ۱۳۸۷، ۹۳/۱) همان طور که حرام به دو گونه ی موبد و موقت است، موانع نکاح نیز از جهتی به دو دسته ی دایمی و موقت و از جهتی دیگر به دو گونه ی مطلق و نسبی تقسیم می گردد. (عاملی، ۱۳۵۰، ش ۳۲/۱) موانع ازدواج اموری است که عدم آن ها در نکاح شرط است و وجود آن ها مانع صحت نکاح می باشد.

۱-۲-۳ موانع دایمی و نسبی:

موانع دایمی: در این موارد، زن هیچ‌گاه نسبت به کسی که بر او حرام است حلال نمی‌گردد، چنین صفات موجب تحریم، از صفاتی است که ملازم با زن بوده و از او زایل نمی‌گردد، مانند خویشاوندان نسبی. (صادقی، ۱۳۸۹، ۷۶/۱)

موانع موقت: منظور زناهی هستند که سبب تحریم آن‌ها دایمی نبوده بلکه موقت است و زن بر مرد مادامی که این صفت یا حالت را دارد حرام می‌باشد و وقتی این صفات یا حالت تغییر کند و سبب تحریم زایل شود، زن بر مرد حلال می‌گردد، مانند زن شوهردار که اگر شوهرش او را طلاق دهد یا فوت کند به دیگران حلال می‌شود. (ابوزهره، ۱۳۶۹ق، ۱۷۸/۲)

۴-۲-۱ موانع دایمی نکاح در قانون احوال شخصیه مصر:

موانع دایمی نکاح در قانون احوال شخصیه مصر، همانند فقه امامیه، مستنبط از فقه اسلامی و شامل قرابت نسبی، قرابت رضایی و قرابت سببی (قرابت بالمصاهره) می‌شود. ماده ۲۰ قانون احوال شخصیه مصر اشعار می‌دارد: یکی از شرایط صحت نکاح را حلال بودن زن بر مرد، بدان معنا که هیچ اسباب تحریمی برای آن فرض نشود می‌داند، پس چنان چه زنی به واسطه یکی از اسباب تحریم بر مردی حرام شود در صورت ازدواج نمودن آن دو با یکدیگر، نکاحشان فاسد خواهد بود. (قدری باشا، ۱۴۲۷ق، ۸۱۰/۲)

۳-۱ مفهوم لغوی رضاع:

الرضاع به فتح راء و کسر آن و هم‌چنین گفته می‌شود: الرضاعه به فتح راء و کسر آن به معنای شیرخوارگی، شیر خوردن از پستان مادر و غیره و «راضع» به معنی طفل شیرخوار و «المرضعه» به معنای زنی که از پستان خود به طفل شیر می‌دهد. (مألوف، ۱۳۹۳، ۱ / ۲۵۰، انیس، ۱۳۸۴، ۷۵۴/۱)

۳-۱-۱: مفهوم اصطلاحی رضاع:

قرابت رضاعی عبارت از خویشاوندی است که بین دو نفر در اثر شیر خوردن یکی از دیگری و یا شیر خوردن دو نفر از یک شخص حاصل می‌گردد، مانند خویشاوندی بین مادر رضاعی و طفل و خویشاوندی بین دو برادر رضاعی که شیر یک نفر را خورده‌اند. (امامی، ۱۳۷۴، ۲۶۶/۴)

۲- مبانی حرمت نکاح با محارم رضاعی در فقه امامیه:

۲-۱ قرآن:

قرآن به‌عنوان اولین و مهم‌ترین منبع فقهی مذهب امامیه و سایر مذاهب اسلامی به مسئله‌ی محارم رضاعی توجه و عنایت خاص داشته و در این راستا می‌فرماید: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمْ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ ... (نساء/۲۳) «حرام شده بر شما مادرانتان و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادرانی که شمارا شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسر و دختران همسران که در دامن شما پرورش یافته‌اند». در این آیه به محارم یعنی زناهی که ازدواج با آن‌ها ممنوع است اشاره شده است و بر اساس آن محرمیت از سهرام ممکن است پیدا شود: ۱- ولادت که از آن تعبیر به ارتباط نسبی می‌شود ۲- از طریق ازدواج که به آن ارتباط سببی می‌گویند ۳- از طریق شیرخوارگی که به آن ارتباط رضاعی گفته می‌شود. در آیه فوق خداوند به محارم رضاعی اشاره نموده و می‌فرماید: و مادرانی که شمارا شیر می‌دهند و خواهران رضاعی شما بر شما حرامند اگرچه قرآن در این قسمت آیه تنها به دودسته یعنی خواهران و مادران رضاعی اشاره کرده ولی طبق روایات فراوانی که در دست است، محارم رضاعی منحصر به این‌ها نیستند، بلکه طبق حدیث معروف که پیغمبر (ص) نقل شده: یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب: تمام کسانی که از نظر ارتباط نسبی حرام‌اند از نظر شیرخوارگی نیز حرام می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۰۷ش، ۳۲۷/۳)

۲-۲ سنت:

سببیت رضاع در حرمت نکاح تقریباً مورد اتفاق تمامی فقهای اسلامی می‌باشد، اگرچه در خصوصیات و شرایط تحقق آن اختلاف نظرهایی مشهود است. در این خصوص اخبار مستفیضه بسیاری موجود است که همگی حاکی از قاعده‌ی کلی حرمت نکاح به سبب رضاع می‌باشد. روایاتی که به‌صورت قاعده‌ی کلی بیان‌گر محدوده‌ی تأثیر رضاع هستند به دو صورت ظهور و بروز پیدا کرده که محتوای هر دو یکسان است.

الف) یحرم من الرضاع ما یحرم من القرابه

ب) یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب

تعبیر اول در روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) است: علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي نجران عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله (ع) قال سَمِعْتُهُ يَقُولُ يَحْرَمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرَمُ مِنَ الْقَرَابَةِ (کلینی، ۱۳۶۵، ۴۲۷/۵، طوسی، ۱۳۶۵، ۷ / ۲۹۱) اما تعبیر دوم در روایت‌های دیگری به کار رفته که خبر مذکور مستفیض و از ابی جعفر (ع) منقول است. عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن محمد بن اسماعیل عن محمد بن الفضیل عن ابی الصباح الكنانی عن ابی عبدالله (ع) أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرِّضَاعِ فَقَالَ يَحْرَمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرَمُ مِنَ النِّسْبِ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰ / ۳۷۱) اما سؤال اصلی حدیث

۲-۲: مبانی حرمت نکاح با محارم رضاعی در احوال شخصیه مصر

۲-۲-۱-قرآن:

مهم‌ترین دلیل حرمت نکاح یا محارم رضاعی آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی نساء می‌باشد هرچند آیه‌ی مذکور تنها منصوص در ام و اخوات است و مابقی افراد را ذکر ننموده است. اما به باقی افراد نیز اطلاق دارد. بنا براین آیه‌ی فوق دلالت بر تحریم در اصول (مادران) و خواهران دارد و نص شامل دیگران نمی‌شود ولی مفسران باقی محرمات را نیز برشمرده‌اند و این به دلیل دلالت نص و فحوای خطاب می‌باشد چراکه ذکر مادران و خواهران در آیه شامل افراد دیگر هم می‌شود زیرا محرمات شامل دو قسم می‌باشد: ۱- قسمی که به واسطه‌ی تولد با فرد ارتباط پیدا می‌کند ۲- قسمی که به شکل حواشی و غیر تولد با فرد ارتباط پیدا می‌کنند و عقل حکم می‌کند همان‌طور که حکم شامل مادران و خواهران می‌باشد شامل فروع آن‌ها هم می‌باشد. (ابو زهره، ۱۳۶۹ق، ۴/۸۵) اما حدیث مشهور «یحرم الرضاع ما یحرم من النسب، بیان‌کننده این است که هر چه از نسب حرام می‌شود به سبب رضاع نیز حرام می‌باشد (بدران، بی‌تا، صص ۹۵ تا ۹۷، الایبانی ۱۳۲۱، ۴۶/۱، عبدالحمید، ۱۳۷۷ق، ۵۰/۳)

۲-۲-۲: سنت:

مهم‌ترین حدیث وارده در این خصوص حدیث مشهور «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» می‌باشد که در منابع فقهی امامیه نیز مفصلاً به آن اشاره گردید. تنزیل رضاع به نسب در حدیث شریف منحصر به عناوین هفت‌گانه صرح در آیه شریفه است و در غیر آن موارد رضاع مؤثر نیست و موجب نشر حرمت نمی‌گردد. و درجایی دیگر روایت شده است از نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص) خواسته شده که با دخترعمویش دختر حمزه ازدواج کند که ایشان در جواب فرمودند: همانا او بر من حلال نیست چراکه او دختر برادر رضاعی من است و حرام می‌شود به واسطه‌ی رضاع آنچه به واسطه نسب حرام می‌شود. (ابوزهره، ۱۳۸۹ق، ۸۵/۴)

۲-۲-۳: اجماع:

در خصوص حرمت نکاح با محارم رضاعی از منظر فقهای اهل سنت اجماع وجود دارد. (ابو زهره، ۱۳۸۹ق، ۸۴/۴)

۳-۱ شرایط و کیفیت رضاع از دیدگاه امامیه:

نشر حرمت به سبب شیر خوردن در فقه امامیه تابع یک سری شرایطی است و می‌بایست مقتضی موجود و مانع مفقود باشد تا امر حاصل شود. مهم‌ترین شرایط عبارت‌اند از:

۱- شیرخوارگی می‌بایست محصول نکاح مشروع باشد

۲- گوشت و استخوان طفل بر اثر خوردن شیر محکم شده باشد

۳- شیر خوردن می‌بایست یک شبانه‌روز کامل یا پانزده بار متوالی باشد. (فیض، ۱۳۸۴، ۲/۴۴-۴۵ حلی، ۱۳۶۴، ۴۸۵/۴)

۴- شیر باید از پستان خورده باشد.

۵- دوران شیرخوارگی باید کم‌تر از دو سال باشد.

۶- شیر زن از یک شوهر باشد، مثلاً اگر زنی دختر بچه‌ای را از شیر یک شوهر تغذیه نماید و پسربچه‌ای را با شیر شوهر دوم شیر دهد این محرمیت رضاعی حاصل نمی‌شود. هرچند برخی معتقدند میان شیرخوارگان در صورت یکی بودن شیر دهنده از جهت مادر، برادری و خواهری پیدا می‌شود و همین موجب حرمت نکاح آن‌ها است. (محقق حلی، ۱۳۶۴، ۲/۴۵۸-۴۶۳، امینی، ۱۳۹۰، ۲/۱۱۵) قانون مدنی در ماده ۱۰۴۶ شرایط محرمیت رضاعی را از فقه اقتباس نموده و اشعار می‌دارد: قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط بر این‌که: اولاً شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد، ثانیاً: شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد، ثالثاً: طفل لااقل یک شبانه‌روز یا پانزده دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد، بدون این که در بین، غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد، رابعاً: شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد، خامساً: مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک شوهر باشد، بنابراین اگر طفل در شبانه‌روز مقداری از شیر یک زن و مقداری از شیر زن دیگر بخورد موجب حرمت نمی‌شود، اگر چه شوهر آن دو یکی باشد و هم چنین اگر یک زن، یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیر داده باشد، آن پسر با آن دختر، برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آن‌ها از این حیث ممنوع نمی‌باشد.

۷- مرضعه زنده باشد؛ حیات شیر دهنده در هنگام رضاع شرط است و اگر شیر دهنده قبل از تکمیل دفعات شیر، بمیرد رضاع حاصل نمی‌شود. (محقق حلی، ۱۳۶۴، ۲/۴۶۱)

۸- مرضعه زن باشد؛

۹- مرضعه ۹ ساله باشد.

۱۰- لبن باید مایع باشد و یا چیز دیگری مخلوط نشده باشد.

۳- شرایط و کیفیت رضاع از دیدگاه قانون مصر:

قانون مصر در زمینه‌ی شرایط ایجاد رضاع حرفی به میان نیاورده است، اما حقوق دانان و فقهای مصری در کتب خویش به تفصیل از آن بحث نموده‌اند و برای تدوین قانون خود از فقه امامیه تبعیت نموده‌اند. (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۰ ش، ۱/ صص ۶۳ تا ۶۶؛ بدران بی تا/ صص ۱۰۴ تا ۱۰۵) بر اساس منابع فقهی اهل سنت و نظریات فقها و حقوق دانان مصری شرایط رضاع عبارتند از:

۱- رضاع مقدار معینی ندارد و هر مقدار از شیر، خواه کم یا زیاد باشد، در صورتی که شرایط بیان شده رعایت گردد موجب حرمت است؛ چون نصوصی که درباره تحریم به رضاع وارد شده مقدار آن را بیان نکرده است؛ بنابراین «امهاتکم الاتی ارضعکم» شامل کم و زیاد می‌شود و هم‌چنین «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» نیز شامل کم و زیاد می‌گردد. (الجزیری، ۱۴۱۹ق، ۴/ ۳۲۵) بنابراین رضاع در احوال شخصیه مصر مقدار معینی نداشته و حتی با یک‌بار حاصل شده و نیازمند محکم شدن استخوان و روییدن گوشت نمی‌باشد ولو با قطره ای موجب حرمت می‌شود. (السرخسی، ۱۴۲۱، ۱۳۴/۳۰)

۲- دوران شیرخوارگی دو سال و نیم (سی ماه) است و اگر در اثناء این مدت شیر به جوف طفل رسیده باشد، رضاع حاصل می‌شود ولیکن بعد از انقضاء مدت مذکور رضاع حاصل نیست و در این خصوص ابوحنیفه استدلال می‌کند به کلام‌الله که «حمله و فصاله ثلاثون شهرا» همانا حمل و جدایی کودک از شیر مادر سی ماه می‌باشد و این اقل مدت جدایی طفل از مادر است. (ابو زهره، ۱۳۸۹ق، ۴/ ۹۲) بنابراین از منظر جمهور فقها محرمیت رضاعی مربوط به زمان طفولیت است چراکه نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص) فرمودند: «انما الرضاعه من المجاعه» یعنی محرمیت رضاعی در صورت برطرف شدن گرسنگی ایجاد می‌شود و تنها غذای برطرف کننده گرسنگی برای طفل فقط شیر مادر می‌باشد. (ابو زهره، ۱۳۸۹ق، ۴/ ۹۳)

۳- این که زن شیر دهنده باکره، بیوه شوهردار و یا بدون شوهر باشد فرقی نیست، هر زمان که شیر داشت و طفل خورد، احکام رضاع لازم می‌شود. (مغنیه، ۱۳۶۶، ۲۱/ ۲۳۵ النفری قیروانی، ۱۹۹۹، ۵/ ۷۴، ابن یوسف الشیرازی، بی تا، ۱/ ۱۴۴)

۴- مرضعه لازم نیست شیر از پستان خورده باشد و فرقی نیست بین این که شیر از طریق دهان یا مکیدن به جوف طفل برسد یا با ریختن در حلق یا با وارد کردن از طریق بینی (طهماز، ۱۴۲۰ق، ۲/ ۷۲)

۵- مرضعه زن باشد؛ بنابراین اگر از مرد شیر جاری شود و طفل بخورد رضاع شرعی نیست. هم‌چنین اگر خنثی که مذکر بودن او واضح است شیر جاری شود موجب حرمت نیست، اما اگر خنثی مشکل باشد، زنان باید نظر بدهند، اگر گفتند شیر او شیر زن است موجب حرمت است. هم‌چنین، اگر طفلی از حیوانی شیر بخورد موجب حرمت نیست. (صادقی، ۱۳۸۹، ۱/ ۸۷)

۶- سن مرضعه؛ مرضعه می‌بایست ۹ سال به بالا باشد بنابراین اگر از صغیره‌ای که کم‌تر از ۹ سال دارد شیر جاری شود و طفلی بخورد رضاع شرعی نبوده و موجب حرمت نمی‌شود. (الجزیری، ۱۴۱۹ق، ۴/ ۳۲۳)

۷- لبن باید مایع باشد به طوری که گفته شود کودک شیر خورد، اما اگر پنیر یا کره یا ماست شده باشد و کودک آن را بخورد موجب حرمت نمی‌شود؛ چون در این حالت رضاع صدق نمی‌کند و نمی‌گویند کودک شیر را نوشید. (طهماز، ۱۴۲۰ق، ۲/ ۷۳) شیر با طعام مخلوط نشود؛ بنابراین اگر شیر بر روی طعام جاری شود و در برابر آتش قرار گیرد به طوری که تغییر کند و کودک از آن بخورد معتبر نیست. (الجزیری، ۱۴۱۹ق، ۴/ ۳۲۵)

۸- مرضعه زنده باشد؛ شرط نیست که شیر دهنده در قید حیات باشد و اگر شیر دهنده فوت شد و طفل خود را به او رسانید و از او شیر خورد، در تحریم کفایت می‌کنند. (الجزیری، ۱۴۰۶، ۴/ ۲۶۱-۲۵۴، ابن تیمیه الحرائی، ۱۴۰۴، ۲/ ۱۱۲)

۴- آثار قرابت رضاعی در فقه امامیه و قانون مدنی مصر

۴-۱: حرمت نکاح

به طور کلی همان‌طور که نکاح با محارم نسبی و سببی حرام می‌باشد، نکاح با محارم رضاعی هم حرمت دارد و به طور کلی محارم رضاعی شامل هفت گروه می‌باشد که هم در فقه امامیه به صورت مفصل به آن پرداخته شده و در قانون احوال شخصیه مصر نیز به آن عنایت خاص صورت گرفته است. ماده‌ی ۲۵ احوال شخصیه مصر در این زمینه اشعار می‌دارد: نکاح با هشت صنف از طریق رضاع ایجاد می‌شود که عبارتند از:

۱- اصول شخص از رضاع که مرادش مادر رضاعی مرتضع (مرضعه) هرچه بالا روند، است. ۲- فروع شخص از رضاع که شامل دختر رضاعی شخص هرچه پایین روند، می‌شود. ۳- فروع ابوبین از رضاع که دربردارنده‌ی خواهران و برادران رضاعی و دختران آنان هر قدر پایین روند، می‌باشد. ۴- فروع جد و جدّه از رضاع و مرادش همان عمه و خاله‌ی رضاعی فرد بوده که شامل دختران آنها نمی‌شود. ۵- مادر رضاعی زوجه هر قدر بالا رود. ۶- دختر زوجه از رضاع و مراد از آن طفلی است که مرضعه قبل از ازدواج با همسرش از شیر مرد دیگری او را ارتضاء نموده باشد. ۷- همسر پدر و جدّ از رضاع هر قدر بالا رود. ۸- همسر پسر و همسر پسر پسر و همسر پسر دختر از رضاع هر قدر که پایین رود. در این ماده صورت‌هایی است که از تحریم رضاع مستثنی و بر شخص حرام نمی‌باشد؛ در حالی که این موارد در نسب حرام می‌باشند عبارتند از:

۱- مادر برادر یا خواهر رضاعی است که بر شخص حرام نمی‌باشد. ۲- خواهر پسر یا دختر رضاعی شخص است. ۳- مادر فرزند رضاعی فرزند است که بر فرد حلال می‌باشد. ۴- مادر عمه یا عمو و دایی یا خاله‌ی رضاعی است که به علت عدم علاقه‌ی محرمیت ازدواج با آنها حلال به شمار می‌آید. (قدری باشد، ۱۴۲۷ق، ۱۰۵/۱)

به طور کلی در فقه امامیه و قانون احوال شخصیه مصر نکاح با هشت صنف که از طریق رضاع محرمیت حاصل می‌شود ممنوع است و موارد مستثنی شده از تحریم رضاع نیز در هر دو حوزه مشترک می‌باشد.

۲-۴: ایجاد محرمیت در فرزندخواندگی:

امروزه افراد بسیاری در جامعه‌ی ما به دلایل نازایی به پرورشگاه‌ها مراجعه نموده و درخواست فرزندخواندگی می‌نمایند، در حالی که به مسأله‌ی محرمیت توجهی نداشته و متولیان امر نیز کمتر به این مسأله توجه دارند. این در حالی است که از طریق محرمیت رضاعی می‌توان این مشکل را حل نمود. مثلاً اگر کودک، دختر شیرخواره باشد، از راه‌های زیر بین او و مرد (پدرخوانده) محرمیت ایجاد می‌شود:

۱- شیر زن را بخورد، که در این صورت دختر رضاعی مرد می‌شود. ۲- شیر مادر مرد را بخورد، که در این صورت خواهر رضاعی مرد می‌شود. ۳- شیر خواهر مرد را بخورد، که دختر رضاعی مرد می‌شود و یا شیر دختر خواهر مرد را بخورد. ۴- شیر زن برادر مرد را بخورد، که دختر برادر رضاعی او می‌شود و یا شیر دختر برادر او را بخورد. ۵- اگر شیرخوار نباشد یا اگر شیرخوار است، افراد مذکور وجود ندارند می‌توان به وسیله صیغه نکاح موقت بین دختر و پدر مرد یا پدربزرگ او محرمیت ایجاد کرد. (موسوی الخمینی، ۱۳۶۴ش، ۲/۲۳۶)

اگر کودک پسر و شیرخوار باشد، از راه‌های زیر می‌توان بین او و زن (مادرخوانده) ایجاد محرمیت کرد:

۱- شیر همان زن را بخورد، که فرزند رضاعی او می‌شود. ۲- شیر مادر زن را بخورد، که برادر رضاعی زن می‌شود. ۳- شیر خواهر زن را بخورد، که پسر خواهر رضاعی زن می‌شود یا شیر دختر خواهر زن را بخورد. ۴- شیر زن برادر زن را بخورد، که پسر برادر رضاعی زن می‌شود یا شیر دختر برادر زن را بخورد. ۵- اگر پسر شیرخوار نباشد و مادرخوانده، مادر بدون شوهر داشته باشد و او را به عقد دائم یا موقت پسر درآورند، پس از دخول به او مادر خوانده، ربیبه او می‌شود و به او محرم می‌شود. اما در صورتی که دختر یا پسری که از پرورشگاه می‌آورند، ولی او مشخص نباشد و یا ولی او فوت کرده، در صورتی که کودک زیر دو سال است و زنی که با شیر دادن او ایجاد محرمیت نماید، در فامیل نباشد و یا بالای دو سال است در این صورت هیچ راهی برای ایجاد محرمیت نخواهد بود. (اسدی کوه باد و همکاران، ۱۳۹۴، ۸/۱)

۳-۴: جواز نظر و خلوت و مسافرت:

محارم رضاعی در بحث جواز نظر (نگاه کردن) به آنها مثل محارم سببی و نسبی می‌باشد و در این خصوص فقهای امامیه و اهل سنت که قوانین مصر نیز از آن منشعب است متفق القولند و مهمترین سند روایی این موضوع مربوط به عایشه می‌باشد که می‌گوید: روزی پیامبر (ص) بر من وارد شد در حالی که مردی در نزد من بود. پیامبر (ص) فرمود: ای عایشه این فرد چه کسی است؟ من گفتم: برادر رضاعی من است. پس پیامبر (ص) فرمود: ای عایشه به برادرانت نظر داشته باش همانا آنها برادران رضاعی تو هستند. پس پیامبر (ص) بعد از شناخت آن فرد که برادر رضاعی عایشه می‌باشد به خلوت با او اقرار نمودند. (قلیوبی و همکاران، ۱۴۰۴، ۴/۶۲) بحث مسافرت هم مترتب به جواز خلوت می‌باشد و در این خصوص سؤال شد آیا می‌شود با خواهر رضاعی مسافرت کرد؟ و او محرم می‌شود؟ پیامبر (ص) فرمودند: بله محرم می‌شود. (قلیوبی و همکاران، ۱۴۰۴، ۴/۶۳)

۴-۴: عدم توارث و نفقه:

موجبات ارث در فقه امامیه به دو شکل نسب و سبب می‌باشد و نسب عبارت است از ارتباط و اتصال فردی به دیگری به ولادت شرعی. (نجفی، ۱۴۰۶، ۷/۳۹) سبب نیز بر دو گونه زوجیت و ولاء است. بنابراین در فقه امامیه رضاع از موجبات ارث محسوب نمی‌شود. در فقه عامه نیز همانا هنگامی که برادر و خواهر رضاعی فوت کنند از یکدیگر ارث نمی‌برند چرا که آیات و روایات که دال بر ارث‌بری می‌باشد مربوط به نسبت، زوجیت و ولاء می‌باشد و ذکر از رضاع نشده است. (قلیوبی و همکاران، ۱۴۰۴، ۴/۶۳) نفقه نیز بر قرابت رضاعی منطبق نمی‌شود همانطور که نفقه بر اقربا نسبی واجب است. (قلیوبی و همکاران، ۱۴۰۴، ۴/۶۴) در فقه امامیه نیز پرداخت نفقه برخی اشخاص بر انسان واجب است و سبب واجب شدن نفقه یکی از سه امور زناشویی، قوم خویشی و مالکیت می‌شود. (خمینی، ۱۴۲۲ق، ۱/۳۸۲)

۵-۴: سقوط قصاص و رد شهادت:

در فقه امامیه و عامه در خصوص سقوط قصاص جمهور فقها قائلند همانا پدر به واسطه قتل عمدی فرزند نسبی خویش قصاص نمی‌شود. در حالی که اگر فرزند رضاعی خویش را بکشد قصاص می‌شود. (قلیوبی و همکاران، ۱۴۰۴، ۴/۶۵) در بحث شهادت نیز یکی از شرایط شهادت در مظان اتهام نبودن می‌باشد بنابراین شهادت خویشان نسبی در حق همدیگر نافذ نمی‌باشد ولی شهادت برادران و خواهران رضاعی رد نمی‌شود و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. (قلیوبی و همکاران، ۱۴۰۴، ۴/۶۵)

و همکاران، ۱۴۰۴، ۴/ ۶۵) بر این اساس تقریباً قاطبه فقهای امامیه، قایل به عدم پذیرش شهادت فرزند علیه پدر و پذیرش شهادت در غیر آن، چه به سود خویشاوندان باشد و چه بر علیه آنان باشد. در این خصوص صدوق در هدایه (صدوق، ۱۴۰۱، ۱/ ۲۸۷)، مفید در مقنعه (مفید، ۱۴۰۰، ۱/ ۷۲۶) شیخ طوسی در نهاییه (طوسی، ۱۴۰۶، ۲/ ۵۹) و مبسوط (طوسی، ۱۴۰۲، ۸/ ۵۹) و خلاف (طوسی، ۱۴۰۵، ۶/ ۲۹۶)، ابن حمزه در وسیله (ابن حمزه، ۱۴۱۴، ۱/ ۲۶۲)، قطب الدین کیدری در اصباح (کیدری، ۱۴۰۲، ۱/ ۵۲۹)، ابن ادریس در سرائر (ابن ادریس، ۱۳۹۸، ۲/ ۱۳۴)، محقق در شرایع (حلی، ۱۳۹۹، ۴/ ۱۳۰) و مختصر النافع (حلی، ۱۴۱۶، ۱/ ۴۱۴)، هذلی در جامع الشرایع (هذلی، ۱۴۰۱، ۱/ ۵۳۹) علامه در قواعد (حلی، ۱۳۹۹، ۳/ ۴۹۶)، صاحب جواهر در (نجفی، ۱۴۰۱، ۴۱/ ۷۴)، خوانساری در جامع المدارک (خوانساری، ۱۴۱۵، ۶/ ۱۱۹) و گلپایگانی در کتاب شهادات (گلپایگانی، ۱۳۶۵، ۳/ ۱۶۵) به این موضوع اشاره داشته و در این خصوص در اقوال فقها، فرزند رضاعی مورد توجه قرار نگرفته است.

نتیجه گیری:

قرابت رضاعی از مسایل مشترک فقهی و جزء احکام امضایی اسلام است. به طوری که فقه امامیه و به تبع آن قانون مدنی ایران و قوانین احوال شخصیه مصر که منبعث از آموزه های فقهی می باشد به این مسئله توجه ویژه ای داشته است. پژوهش حاضر در تلاش است به سئوالات ذیل پاسخ دهد: سؤال اول: مبانی حرمت نکاح با محارم رضاعی در فقه امامیه و قانون احوال شخصیه مصر چیست؟

مهم ترین مستند فقهی در این خصوص آیه ۲۳ سوره نساء می باشد که خداوند تبارک و تعالی به صراحت نکاح با مادران و خواهران رضاعی را حرام می داند. دومین مستند فقهی سنت نبی مکرم اسلام است که می فرمایند "یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب". اجماع نیز در این خصوص به عنوان سند فقهی در منابع امامیه و اهل سنت مطرح است ولیکن عقل نمی تواند علت حرمت نکاح با محارم رضاعی باشد چرا که به این مبانی در فقه شیعه اشاره ای نشده و چه بسا ممکن است فرد از طریق علت یابی مبادرت به اصدار حکم نموده و گرفتار قیاس ظنی شود. ضمناً در منابع اهل سنت و فقهای مصری هم اشاره ای به این مقوله نشده است. بنابراین مهم ترین دلیل حرمت نکاح با محارم رضاعی عبارتند از کتاب، سنت و اجماع.

دوم: شرایط و کیفیات رضاع از دیدگاه فقه امامیه و قانون احوال شخصیه مصر چیست؟

قانون مصر در زمینه شرایط و کیفیات رضاع حرفی به میان نیاورده است، اما حقوق دانان و فقهای مصری در کتب خویش به تفصیل از آن بحث نموده اند. شرایط کیفیات رضاع از دیدگاه امامیه عبارتند از: ۱- شیرخوارگی می بایست محصول نکاح مشروع باشد. ۲- گوشت و استخوان طفل بر اثر خوردن شیر محکم شده باشد ۳- شیر خوردن می بایست یک شبانه روز کامل یا پانزده بار متوالی باشد. ۴- شیر باید از پستان خورده باشد. ۵- دوران شیرخوارگی باید کم تر از دو سال باشد. ۶- شیر زن از یک شوهر باشد مثلاً اگر زنی دخترچه ای را از شیر یک شوهر تغذیه نماید و پسرچه ای را با شیر شوهر دوم شیر دهد این محرمیت رضاعی حاصل نمی شود. ۷- مرضعه زنده باشد؛ حیات شیر دهنده در هنگام رضاع شرط است و اگر شیر دهنده قبل از تکمیل دفعات شیر، بمیرد رضاع حاصل نمی شود. ۸- مرضعه زن باشد. ۹- مرضعه کمتر از نه سال نداشته باشد. ۱۰- لبن باید مایع باشد و یا چیز دیگری مخلوط نشده باشد. ۱۱- مرضعه ترجیحاً مسلمان باشد و در صورت نبودن مسلمان، کافر اجازه خوردن هر غذایی را ندارد.

شرایط و کیفیات رضاع از دیدگاه قانون احوال شخصیه مصر چیست؟ ۱- رضاع مقدار معینی ندارد و هر مقدار از شیر، خواه کم یا زیاد باشد، در صورتی که شرایط بیان شده رعایت گردد موجب حرمت است. ۲- دوران شیرخوارگی دو سال و نیم (سی ماه) است و اگر در اثناء این مدت شیر به جوف طفل رسیده باشد رضاع حاصل می شود. ۳- این که زن شیر دهنده باکره، بیوه شوهردار و یا بدون شوهر باشد فرقی نیست، هر زمان که شیر داشت و طفل خورد، احکام رضاع لازم می شود. ۴- مرضعه لازم نیست شیر از پستان خورده باشد و فرقی نیست بین این که شیر از طریق دهان یا مکیدن به جوف طفل برسد یا با ریختن در حلق یا با وارد کردن از طریق بینی باشد. ۵- مرضعه زن باشد؛ بنابراین اگر از مرد شیر جاری شود و طفل بخورد رضاع شرعی نیست. ۶- سن مرضعه؛ مرضعه می بایست ۹ سال به بالا باشد بنابراین اگر از صغیره ای که کم تر از ۹ سال دارد شیر جاری شود و طفلی بخورد رضاع شرعی نبوده و موجب حرمت نمی شود. ۷- لبن باید مایع باشد به طوری که گفته شود کودک شیر خورد، اما اگر پنیر یا کره یا ماست شده باشد و کودک آن را بخورد موجب حرمت نمی شود؛ چون در این حالت رضاع صدق نمی کند و نمی گویند کودک شیر را نوشید. ۸- مرضعه زنده باشد؛ شرط نیست که شیر دهنده در قید حیات باشد و اگر شیر دهنده فوت شد و طفل خود را به او رسانید و از او شیر خورد، در تحریم کفایت می کنند.

سؤال سوم: آثار قرابت رضاعی در فقه امامیه و قانون احوال شخصیه مصر چیست؟

به طور کلی از مهم ترین آثار قرابت رضاعی در فقه امامیه و قانون احوال شخصیه کشور شامل موارد ذیل می شود. الف) حرمت نکاح: مواد ۱۰۴۶ ق. م و ماده ۲۵ قانون احوال شخصیه مصر به حرمت نکاح با محارم رضاعی اشاره داشته و تنزیل رضاع به نسب در حدیث منحصر به عناوین هفت گانه مصرح در آیه ۲۳ سوره ی نساء می باشد. ب) ایجاد محرمیت در فرزند خواندگی: می توان به یکی از آثار پر خیر و برکت قرابت رضاعی ایجاد محرمیت در فرزند خواندگی که امروزه تبدیل به یکی از مشکلات مبتلی به در جامعه امروزی می باشد اشاره نمود. ج) جواز نظر، خلوت و مسافرت با محارم رضاعی. د) عدم توارث و نفقه. ه) عدم سقوط قصاص و پذیرش شهادت نیز از دیگر آثار رضاع می باشد.

منابع فارسی:

- قرآن کریم
قانون مدنی ایران
قانون احوال شخصیه مصر
اسدی کوه باد، هرمز، "بررسی مبانی محرم و نامحرم در فقه و حقوق اسلامی با تاکید بر محرمیت رضاعی"، دومین کنگره بین المللی تفکر و پژوهش بی تا. امامی، حسن، حقوق مدنی، ج ۲۰، تهران: انتشارات الاسلامیه، ۱۳۸۸، انتشارات خرسندی، تهران.
جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق خانواده، کتاب خانه گنج دانش، ۱۳۶۸، تهران.
دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده، ازدواج و انحلال آن، المیزان، ۱۳۸۷، ج ۱، تهران.
زمانی زری، "حرمت موبد و مصادیق آن در حقوق ایران و مصر" پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۱، سال پنجم، شماره نهم، ص ۹۱ تا ۱۲۰.
سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، دارالعلم، ۱۳۷۰، ج سوم، قم.
سعادت مصطفوی، سید مصطفی، "تحلیل فقهی ماده ۱۰۴۶ ق مدنی، پژوهش نامه حقوق اسلامی، ۱۳۹۴، ج دوم، سال شانزدهم، ش/ دوم، صص ۶۹-۸۹.
سیف، سوسن و همکاران، روان شناسی رشد، نشر سمت، ۱۳۷۳، ج سوم، تهران.
شایگان، سید علی، حقوق مدنی ایران، نشر دادگستر، ۱۳۷۸، ج ۳، تهران.
شیخ الاسلامی، اسعد، احوال شخصیه، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰، ج ۱، تهران.
صادقی، محمد، احوال شخصیه اهل سنت در مذهب شافعی و حنفی، ۱۳۸۹، ج ۱.
صفایی، حسین، حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۶، تهران.
کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، خانواده، بهنشر، ۱۳۶۸، ج ۲، بی جا.
مغنیه، محمد جواد، فقه امام جعفر صادق (ع)، انتشارات دارالجواد، ۱۴۰۶، بیروت.
مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۰۷، ج هفدهم، تهران.
منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک، نشر سمت، ۱۳۷۹، تهران.
موسوی خمینی، روح الله، استفتائات امام خمینی (ره)، دارالعلم، ۱۳۶۴، قم.
نصیر، صدر الدین، "بهداشت اجتماعی اسلام" نشریه اتحاد مسلمین، ج / دوم، سال / ششم، ش/ چهارم، صص ۸۴-۸۵.
نوری، سمیه و همکاران، "شیر دهی القایی و مسایل پزشکی و فقهی مرتبط با آن"، فصل نامه پزشکی، ۱۳۹۳، ج سوم، سال ششم، شماره ۲۰-۲۱، صص ۷۵-۸۷.

منابع عربی:

- ابن ادریس، ابی جعفر محمد بن منصور، سرائر، موسسه ی نشر اسلامی، ۱۳۹۸، ج سوم، قم.
ابن تیمیه، عبد السلام بن عبدالله، المحرر فی الفقه علی مذهب امام محمد حنبل، مکتبه المعارف، ۱۴۱۱، ج دوم، الرياض.
ابن حمزه، ابوجعفر محمد بن علی، الوسیله، مطبعه الاداب، ۱۴۱۴، ج دوم، بیروت.
ابوزهره، محمد، الاحوال شخصیه قسم الزواج، بی تا، ۱۳۶۹، الطبعه الثانی، قاهره.
الابیانی، محمد زید، شرح الاحکام الشرعیه فی الاحوال الشخصیه، مطبعه الشعب، ۱۳۲۱، الطبعه الاولى، مصر.
امینی، علی، تحریر الروضه فی شرح المعه، انتشارات موسسه ی فرهنگی طه، ۱۳۹۰، ج یازدهم، تهران.
انصاری، مرتضی، کتاب النکاح، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵، ج یکم، قم.
انیس، ابراهیم، فرهنگ معجم الوسیط عربی - فارسی، مترجم محمد بندرریگی، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶، تهران.
بحرالعلوم، سید محمد، بلغه الفقیه، ۱۳۶۲، مکتبه الصادق، ج چهارم، ایران.
بحرانی، یوسف، الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲، ج ۱، قم.
بعلبکی، روحی، القاموس العربی، بی تا، بی جا، لبنان: انتشارات دارالعلم للملایین.
الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، دارالتقلین، ۱۴۱۹، ج ۱، بیروت.
حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت، ۱۴۰۹، قم.
حلی، ابو منصور حسن یوسف، قواعد، موسسه ی نشر اسلامی، ۱۳۹۹، ج ششم، قم.
خوانساری، سید احمد، جامع المدارک، مکتبه الصدوق، ۱۳۶۴، ج ۲، تهران.
السباعی، مصطفی، شرح قانون الاحوال شخصیه، مکتبه الثقافه، بی تا، عمان.
السرخسی، شمس الدین، مبسوط، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱، ج ۱، بیروت.
الشهید الثانی، زین الدین بن علی، شرح اللمعه، منشورات جامعه النجف الدینیة، ۱۳۹۸، ج ۲، نجف.
شیرازی، ابن یوسف، التنبیه فی الفقه الشافعی، انتشارات عالم الکتب، بی تا، بیروت.

- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، هدایه، موسسه ی امام هادی (ع)، ۱۴۰۱، قم.
- طوسی، محمد بن حسن، النهایه، موسسه ی نشر اسلامی، ۱۴۰۶، چ پنجم، قم.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷، چ ۴، تهران.
- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، موسسه ی النشر الاسلامی، ۱۴۰۷، چ ۱، قم.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، موسسه ی نشر الاسلامی، ۱۴۰۲، چ سوم، قم.
- طه‌ماز، عبدالحمید محمود، الفقه الحنفی فی ثوبه‌الجدید، دارالعلم، ۱۴۲۰، چ ۱، بیروت: دارالقلم.
- عبدالحمید، محمد محیی‌الدین، الاحوال الشخصیه فی الشریعه الاسلامیه، المكتبه التجاریه الکبری، ۱۳۷۷، الطبعة الثانيه، مصر.
- قدری باشا، محمد، الاحکام الشرعیه فی الاحوال الشخصیه، محمد احمد سراج و علی جمعه محمد، دارالعلم، ۱۴۲۷، الطبعة الاولى، قاهره.
- قلیوبی و همکاران، حاشیه قلیوبی علی المنهاج، دارالاحیاء العربیه، ۱۴۰۴، مصر.
- القیروانی النفری، عبدالرحمان، النوادر و الزیارات علی ما فی المدونه من الملمات، دارالغرب الاسلامی، ۱۳۹۸، چ اول، بیروت.
- کرکی، علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، موسسه ی آل‌البيت، ۱۴۰۸، چ ۱، قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، تهران.
- کیدری، قطب‌الدین، اصباح، موسسه ی امام صادق (ع)، ۱۴۰۲، چ چهارم، قم.
- گلپایگانی، سید محمد رضا، کتاب الشهادات، انتشارات دارالعلم، ۱۳۶۵، چ دوم، قم.
- مالوف، لویس، فرهنگ المنجد عربی - فارسی، مترجم محمد بندرریگی، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵، چ سوم، تهران.
- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن، شرائع، دارالاضواء، ۱۳۹۹، چ دوم، بیروت.
- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن منصور، مختصر النافع، موسسه ی البعثه، ۱۴۱۶، چ هشتم، بیروت.
- مفید، محمد بن محمد، مقنعه، موسسه ی نشر اسلامی، ۱۴۰۰، چ دوم، قم.
- موسوی‌الخمنی، روح‌الله، نجات العباد، موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۲، چ سوم، تهران.
- نراقی، احمد، مستند الشیعه، موسسه ی آل‌البيت، ۱۴۱۵، چ ۱، قم.
- هذلی، ابوزکریا نجیب‌الدین، جامع الشرائع، موسسه ی سید الشهداء، ۱۴۰۱، چ دوازدهم، قم.